

فارغ از انتقادات تندی که به شیوه صداوسیما درباره رویکرد مسئولان و برنامه‌های تلویزیونی آن به موضوعات سیاسی و اجتماعی وجود دارد، در این میان برنامه‌های خاصی نیز وجود دارند که تلاش کرده‌اند با موضعی بی‌طرفانه به نقد مسائل روز پرداخته و رضایت مخاطب را جلب کنند. برای نمونه می‌توان به برنامه «شیوه» اشاره کرد که بعد از ماجرای فوت مهسا امینی و گسترده‌شدن اعتراضات خیابانی، از ۱۹ شهریور هر شب از شبکه چهار تلویزیون پخش می‌شود. در این برنامه، میهمانانی از دو طیف سیاسی و همچنین جامعه‌شناسان منتقد وضع موجود دعوت می‌شوند تا به دلایل و انگیزه‌های اتفاقات رخ‌داده در یک ماه اخیر بپردازند. مجری این برنامه «عطاالله بیگدلی» است که دکتری حقوق از دانشگاه امام صادق دارد و در این چند برنامه نشان داده هم به موضوعات سیاسی و اجتماعی مسلط است و هم جانب انصاف را رعایت کرده است. مجید نفرشی، یژن عبدالکریمی، شهریار زرشناس، محمد فاضلی، تقی آزادارمکی، ابراهیم فیاض، سعید شریعتی، جلیل محبی، احمد زیدآبادی و حتی تعدادی از استادان اخراج‌شده از دانشگاه نیز در برنامه «شیوه» حضور داشته‌اند.

هرچند این برنامه در میانه راه به یک توقف پنج‌روزه دچار شد و تعدادی از قسمت‌های آن از آرشيو سایت «تلویبون» حذف شده است. در هر حال شاید خود میهمانان این برنامه نیز فکر نمی‌کردند روزی صداوسیما از آنها بخواهد یا خود آنها تمایل داشته باشند تا در یک برنامه زنده به مناظره با جریانی بپردازند که تقریبا همیشه در تلویزیون و رسانه‌های رسمی تریبون داشته‌اند، همین باعث شد تا احمد زیدآبادی در برنامه شبیه‌شب این برنامه به شوخی بگوید که همسرش قبل از برنامه گفته اگر به تلویزیون برود از او طلاق خواهد گرفت.
در واکاوی چگونگی برگزاری برنامه‌هایی که با محوریت نقد روی آنتن سیمیا می‌روند، نظر مازیار معاونی، منتقد را جویا شدیم.

**مازیار معاونی، منتقد:** به خاطر دارم اوایل دهه ۸۰،

شبکه سه سیمیا بدعتی را به‌عنوان طرح نقد سریال‌های تلویزیونی آغاز کرد. اینکه در آن سال‌ها این رسانه در صنف اول نقد مجموعه‌هایش ایستاد، نکته بسیار مهم و درخور اعتنایی بود. برنامه‌ای با عنوان «نقد سه» آغازگر این جریان بود.

وحید جلیلووند که درحال‌حاضر کارگردان مطرح و قابل‌اعتنایی است، اجرای «نقد سه» را بر عهده داشت. برنامه‌ای که مخاطبان زیادی را با خود همراه کرد و میهمانان مطرحی در آن حضور پیدا کردند. کارگردان‌هایی مثل مرضیه برومند که آن زمان هنوز سرسازش با تلویزیون داشت و سریال می‌ساخت، از میهمانان معروف این برنامه بود که در یک جلسه جنجالی در «نقد سه» شرکت کرد و حرف‌هایش را زد. برای زمان خودش این حرکت بسیار پیشرو محسوب می‌شد.

عمده‌ترین بحث‌های در این برنامه فنی بود، گرچه بحث‌های فرامتنی هم انجام می‌شد. این روال جسته و گریخته تا دهه ۹۰ ادامه پیدا کرد که یکباره «قاب نقد» هم به‌عنوان برنامه‌ای که قصد داشت برنامه‌هایی از رسانه ملی را واکاوی کند، به جمع تولیدات تلویزیون اضافه شد. این برنامه دو، سه سالی روی آنتن رفت و خود من هم یک بار از میهمانان این برنامه

فردی مخالف حضور در جشنواره فیلم کوتاه است، در آن حضور ندارد. اما اگر هم فیلم‌سازان به این جشنواره بخواهند شرکت کنند، باید پذیرفت که بخش عمده‌ای از جامعه فیلم‌سازان در این جشنواره در برنخی سال‌ها به حدی بود که برخی از آنها به‌دلیل فقر و فقرای فقر، قادر به پرداخت هزینه‌های سفر و اقامت در محل برگزاری جشنواره نبودند. این موضوع به‌ویژه برای فیلم‌سازان جوان و تازه‌کار، که به‌دلیل فقر و فقرای فقر، قادر به پرداخت هزینه‌های سفر و اقامت در محل برگزاری جشنواره نبودند، بسیار دشوار بود. این موضوع به‌ویژه برای فیلم‌سازان جوان و تازه‌کار، که به‌دلیل فقر و فقرای فقر، قادر به پرداخت هزینه‌های سفر و اقامت در محل برگزاری جشنواره نبودند، بسیار دشوار بود.

یوادم. داریوش کاردان مجری «قاب نقد» بود و به واسطه اینکه خودش دستی در آتش بازیگری و اجرا در تلویزیون و رادیو داشت، گزینه بسیار مناسبی برای اجرای این برنامه بود و بحث‌ها را به‌درستی هدایت می‌کرد. در این برنامه سریال‌هایی که از رسانه ملی پخش می‌شدند، در زمان کوتاهی بعد از پخش، به‌اصطلاح زیر ذره‌بین نقد می‌رفتند و تا اندازه‌های قابل‌قبولی هم امکان نقد صادقانه و انتقاد به تلویزیون و سازندگان آثار وجود داشت.

تصور می‌کنم با این اوصاف می‌توان بهتر متوجه شد که برنامه‌هایی از این دست با توجه به ماهیت تلویزیون که به هر حال بسته‌بودن درهای انتقاد از موانع بزرگ آن محسوب می‌شود و چندین سال است منتقدان مستقل را آزار می‌دهد، ایجاد چنین فضایی در رسانه ملی تا چه حد خوشایند بود. منتقدان خوبی هم در آن حضور داشتند و به‌جرت می‌توان گفت ساخت برنامه‌هایی از این دست دستاورد خوبی برای تلویزیون محسوب می‌شد؛ اما مسئله اینجاست که تعویض مدام مدیریت تلویزیون‌که تغییرات مدیران میانی و مدیران شبکه‌ها و گروه‌های فیلم و سریال، اجتماعی و… را در پی دارد، تغییرات بزرگی را در ساخت برنامه‌هایی از این دست ایجاد کرد.

متأسفانه تولید این برنامه‌ها هیچ‌وقت از یک اسلوب یکسازانه دور نشد. تقریبا در تمام ایران تدریس می‌کنم و گاهی با ماشین شخصی به برخی شهرها می‌روم و گاهی اوقات حتی دستمزدی نمی‌گیرم. این را از استادانم مثل مجید بزرگر و مسعود امینی‌تیرانی و… موختم که باید ذکات علمم را بدهم، وقتی با دوستان در شهرهای دیگر روبرو می‌شوم، می‌بینم فضای مجازی فشار بسیاری به آنها تحمیل کرده است. جشنواره فیلم کوتاه همواره برای فعالان این عرصه، فضایی برای نمایش آثارشان و بیان دیدگاه آنها بوده است. به نظر از هنرمند می‌توان چنین انتظاری داشت که در جایی باید نظرش را بیان کند. در نهایت با به صحبت‌هایش گوش می‌کنند یا خیر؛ اما مهم بیان نظراتش است. بنا نیست سالن‌های سینما را تحریم کنیم؛ چراکه معتقدم با این عمل نمی‌توان به نتیجه رسید.

در روزهای گذشته و از ابتدای آغاز این دوره از جشنواره بین‌المللی فیلم کوتاه تهران، عکس‌ها و خبرهایی مبنی بر خالی‌بودن سالن‌های سینما دست‌به‌دست می‌شود. واقعیت تنها چیزی نیست که در صفحات مجازی به اشتراک گذاشته می‌شود. می‌توان با یک نگاه کلی به سالن‌هایی که فیلم‌های پاسخ‌های متفاوتی گرفتیم. تقریبا در تمام ایران تدریس می‌کنم و گاهی با ماشین شخصی به برخی شهرها می‌روم و گاهی اوقات حتی دستمزدی نمی‌گیرم. این را از استادانم مثل مجید بزرگر و مسعود امینی‌تیرانی و… موختم که باید ذکات علمم را بدهم، وقتی با دوستان در شهرهای دیگر روبرو می‌شوم، می‌بینم فضای مجازی فشار بسیاری به آنها تحمیل کرده است. جشنواره فیلم کوتاه همواره برای فعالان این عرصه، فضایی برای نمایش آثارشان و بیان دیدگاه آنها بوده است. به نظر از هنرمند می‌توان چنین انتظاری داشت که در جایی باید نظرش را بیان کند. در نهایت با به صحبت‌هایش گوش می‌کنند یا خیر؛ اما مهم بیان نظراتش است. بنا نیست سالن‌های سینما را تحریم کنیم؛ چراکه معتقدم با این عمل نمی‌توان به نتیجه رسید.

در روزهای گذشته و از ابتدای آغاز این دوره از جشنواره بین‌المللی فیلم کوتاه تهران، عکس‌ها و خبرهایی مبنی بر خالی‌بودن سالن‌های سینما دست‌به‌دست می‌شود. واقعیت تنها چیزی نیست که در صفحات مجازی به اشتراک گذاشته می‌شود. می‌توان با یک نگاه کلی به سالن‌هایی که فیلم‌های پاسخ‌های متفاوتی گرفتیم. تقریبا در تمام ایران تدریس می‌کنم و گاهی با ماشین شخصی به برخی شهرها می‌روم و گاهی اوقات حتی دستمزدی نمی‌گیرم. این را از استادانم مثل مجید بزرگر و مسعود امینی‌تیرانی و… موختم که باید ذکات علمم را بدهم، وقتی با دوستان در شهرهای دیگر روبرو می‌شوم، می‌بینم فضای مجازی فشار بسیاری به آنها تحمیل کرده است. جشنواره فیلم کوتاه همواره برای فعالان این عرصه، فضایی برای نمایش آثارشان و بیان دیدگاه آنها بوده است. به نظر از هنرمند می‌توان چنین انتظاری داشت که در جایی باید نظرش را بیان کند. در نهایت با به صحبت‌هایش گوش می‌کنند یا خیر؛ اما مهم بیان نظراتش است. بنا نیست سالن‌های سینما را تحریم کنیم؛ چراکه معتقدم با این عمل نمی‌توان به نتیجه رسید.

«پیشروی آرام مردم عادی نامیده‌ام»، یعنی همان تقلا و کوشش همیشگی، روزمره و جزئی و غالبا خاموش تپه‌دستان جهان سوم که در برخی مقاطع تاریخی… به مناقشه‌های بزرگ در سطح جامعه منتهی می‌شد.»

**اسلاید چهارم**

بیات در این کتاب با رویکردی متفاوت از سایر محققان و نظریه‌پردازان انقلاب سعی در نشان‌دادن نقش صداهای خاموش و فراموش‌شده در برافروختن آتش انقلاب اسلامی دارد. از دید بیات در عمده نظریه‌های مربوط به انقلاب ایران؛ به قشر روحانیون، نخبان و گروه‌ها به مثابه نیروهای انقلابی توجه شده است ولی مردم عادی، در حاشیه و فرودست جامعه ایران در فرایند انقلاب چندان مورد بررسی قرار نگرفته‌اند.

با نگاه به استقبال بی نظیری که از برنامه‌های گفت‌وگو محور می‌شود

# نیاز رسانه ملی به میز بزرگ‌تر نقد



همیشگی و روال پیوسته و مستمر پیری نمی‌کند. به‌عنوان مثال برنامه «قاب نقد» پنج سال است از دستور کار تلویزیون خارج شده و هیچ برنامه دیگری جای آن را نگرفته است! شبکه‌های دیگر هم تقریبا همین روال را ادامه می‌دهند و تلویزیون بنا بر یک اتفاق، به جای اینکه برای نقد آثار نمایشی از یک فرمول مستمر پیروی کند، اقدام به حذف آن می‌کند. مثلا در جریان سریال «پایتخت» در قسمت آخر فصل ناتمام‌مانده شش، وقتی بحث این مطرح شد که سریال ارجاعاتی به فیلمفارسی دهه ۵۰ داشته، بلافاصله تلویزیون دست به کار شد و ظرف یک یا دو شب، برنامه‌ای تدارک دید تا پاسخ انتقادات و سوالات درباره چرایی این پرسش را بدهد. سیروس مقدم، کارگردان این مجموعه، در برنامه حاضر شد و پرسش‌ها در حضور سازنده اثر مطرح شد و او بخشی از انتقادات را پذیرفت و بخش دیگری را رد کرد؛ اما در نهایت باب گفت‌وگو باز شد و درباره انتقادهای مطرح‌شده به این سریال حرف زده شد.

از سوی دیگر همچنان سریال‌هایی مثل «کلاه پهلوی» یا آثاری که با نام آثار فاخر تلویزیون از آنها یاد می‌شود و تحت پرچم آثار «الف ویژه» ساخته می‌شوند و در جدول پخش جمعه‌شب‌های شبکه یک قرار می‌گیرند و تلویزیون برای آنها هزینه زیادی کرده و برایش مهم است که دیده شوند، به شکل جسته و گریخته برای آنها جلسات نقد برگزار می‌کند؛ اما

متأسفانه بیشتر از اینکه نقد اثر در این برنامه‌ها اتفاق بیفتد، ستایش‌گونه با آنها برخورد می‌شود و نقدی که به شکل رایج مدنظر است، اتفاق نمی‌افتد. احساس می‌کنم مدتی است فضای نقد در رسانه ملی بیشتر شده و در سایر حوزه‌ها گاهی جلسات نقد تند و تیزی برگزار می‌شود و فکر می‌کنم بد نیست تلویزیون به حوزه‌های دیگر هم ورود کند و اگر در بحث‌های هنری تششی هم ایجاد می‌شود، بیشتر رسانه‌ای، دراماتیک و فنی است و اتفاقا از دل همین بحث‌ها می‌توان به نتایج مثبتی رسید. اگر در تولید و پخش برنامه‌هایی از این دست با حضور حداکثری منتقدانی که نقطه‌نظرهای مختلفی دارند، اقدامی صورت گیرد، در این صورت یقین بدانید نقد یک سریال تلویزیونی حتی اگر تند و ملتهب هم باشد، در نهایت مسیرهای بهتری را برای رسانه تولیدکننده ایجاد خواهد کرد.

چنین بحث‌هایی نشان‌دهنده این است که مدیران رسانه ملی انعطاف‌پذیر هستند و مردم هم به رسانه و ساخته‌های آن نگاه همراه است و پیش از این جایزه بهترین کارگردانی جشنواره به آثار نمایشی فراهم شود، دستاورد بهتری برای رسانه‌ای خواهد بود که دست‌کم ظرف یک سال گذشته با تولیدات شبکه نمایش خانگی رقابت می‌کند و تولیدات نمایشی آن به‌شدت تنزل کرده و افت بیننده را تجربه کرده است. شک نکنید در چنین شرایطی نقد آثار رسانه ملی برگ برنده بزرگی است.

**اخبار برگزیده**

**«احضار ۴» در راه است**

ایسنا: کمپانی نیولاین مشغول پیش‌تولید ساخت چهارمین قسمت از سری فیلم‌های ترسناک «احضار» است. «جانسون مک گلدریک» نگارش فیلم‌نامه «احضار ۴» را بر عهده دارد. «جیمز وان» و «پیتر سفرن» مانند سه قسمت قبلی، تهیه‌کنندگی دنباله جدید این فیلم سینمایی ژانر وحشت را بر عهده دارند.

«جانسون مک گلدریک» پیش از این فیلم‌نامه «احضار ۲» و «احضار: شیطان مرا وادار کرد» را نوشته که فیلم دوم در سال ۲۰۲۱ در رتبه اول گیشه قرار گرفت و مجموعه فروش این سری فیلم را به بیش از دو میلیارد دلار در سراسر جهان رساند. فیلم‌های «احضار» بر اساس پرونده‌های واقعی زندگی محققان ماوراءالطبیعه، «اد وارن» و «لورین وارن» ساخته شده‌اند؛ اگرچه پرونده دقیق که منبع الهام ساخت قسمت جدید است، محرمانه نگه داشته شده است. «پاتریک ویلسون» و «ورا فارمیگا» در سه فیلم قبلی و همچنین در اسپین‌آف «آنابل به خانه می‌آید» نقش وارن‌ها را بازی کرده‌اند و انتظار می‌رود در قسمت جدید نیز نقش‌های خود را تکرار کنند.

قسمت اول از فیلم‌های «احضار» در تابستان ۲۰۱۳ به‌عنوان یک تاکتیک ضدبرنامه در برابر فیلم‌های مهم روی پرده اکران شد. این حرکت کارساز بود؛ زیرا در نهایت این فیلم به درآمد ۳۲۰ میلیون‌دلاری در سراسر جهان در برابر بودجه ۲۰ میلیون دلاری رسید و به یکی از سودآورترین فیلم‌های ترسناک تاریخ تبدیل شد و در ادامه آژاگر ساخت یک‌سری فیلم سودآور شد.

بلافاصله در سال ۲۰۱۴ فیلم «آنابل» راهی سینما شد و پس از آن فیلم «احضار ۲» در سال ۲۰۱۳، «آنابل: آفرینش» (۲۰۱۷)، «راهبه» (۲۰۱۸)، «نفرین لیورونا» (۲۰۱۹)، «آنابل به خانه می‌آید» (۲۰۱۹) و «احضار: شیطان مرا وادار کرد» (۲۰۲۱)

از این سری فیلم اکران شدند. سری فیلم‌های ترسناک «احضار» با مجموع بودجه حدود ۱۸۰ میلیون‌دلاری به فروش جهانی بالغ بر ۲.۱۲۸ میلیارد دلار در سینما دست یافته‌اند.

## حضور سینمای ایران در جوایز فیلم مستقل بریتانیا

جوایز فیلم مستقل بریتانیا فهرست ۱۷ فیلم را به‌عنوان نامزد‌های جایزه بهترین فیلم بین‌المللی سال ۲۰۲۲ معرفی کرد. فیلم سینمایی «جاده خاکی» سه کارگردانی پناه پناهی که سال گذشته جایزه بهترین فیلم جشنواره لندن را به خود اختصاص داد، یکی از نامزدهای بهترین فیلم بین‌المللی سال در جوایز فیلم مستقل بریتانیا نیز انتخاب شده است.

«جاده خاکی» که در جشنواره کن نیز نامزد جایزه دوربین طلایی (بهترین فیلم اول یک کارگردان) نیز بود، با بازی حسن معجونی، پانته‌آ پناهی‌ها، رایان سرلک، امین سیمیار و بهرام ارک همراه است و پیش از این جایزه بهترین کارگردانی جشنواره بخارست، جایزه بهترین تیم بازیگران یک فیلم از جشنواره فیلم فیلادلفیا، جایزه بهترین بلند آسیایی جشنواره سنگاپور و همچنین بهترین فیلم جشنواره ماردل پلایای آرزانتین را نیز از آن خود کرده بود.



«آلکاراس» ساخته «کارلا سایمون»، «همه زیبایی و خونریزی» به کارگردانی «لورا پویتراس»، «آرزانتین، ۱۹۸۵» به کارگردانی «سانتاگو میتره»، «کارگزار» ساخته «هیروکازو کورنیدا»، «نزدیک» از «لوک دونت»، «تصمیم برای رفتن» ساخته «پارک جان ووک»، «همه چیز همه جا به یکباره» از «دانیل کوان» و «دانیل شاپنرت»، «تمام‌وقت» به کارگردانی «اریک گراول»، «La Mif» ساخته «فرد بلیلف»، «بیش از همیشه» به کارگردانی «امیلی عاطف»، «مورینا» به کارگردانی «آنتوانا»، «ناوالتی» ساخته «دنیل روهر»، «زمین بازی» از «لورا واندل»، «بازگشت به گردوغبار» به کارگردانی «لی رویجون»، «دختر آرام» به کارگردانی «ولسم بایرید» و «بدترین آدم دنیا» ساخته «یواخیم تریه» دیگر نامزدهای بهترین فیلم بین‌المللی در جوایز فیلم مستقل بریتانیا در سال ۲۰۲۲ هستند.

فهرست پنج نامزد نهایی این جایزه روز سوم نوامبر (۱۲ آبان) و مراسم اعطای جوایز هم روز چهارم دسامبر (۱۳ آذر) برگزار می‌شود.

زبای از فیم‌سازان فیلم کوتاه را از حضور در جشنواره‌های مهم دنیا محروم می‌کنند.

به‌جزنت می‌توانم بگویم بیش از ۷۰ درصد فیلم‌سازیانی که انتظار دیدنشان را در جشنواره امسال نداشتیم، در چند روز برگزاری این رویداد ملاقات کردم و شاید واقعیت چیزی نیست که فقط در صفحات مجازی دست‌به‌دست می‌شود. استقبال از جشنواره در برنخی سالن‌ها به حدی بود که برخی روی زمین می‌نشستند و شاید این بخشی است که کمتر مخاطبی در جریانش باشد. مشکل من به‌عنوان فیلم‌ساز این نیست که برخی جشنواره را تحریم کردند؛ چراکه این یک تصمیم کاملا شخصی است و هر فردی می‌تواند در این‌باره تصمیم‌گیری کند. مشکل من دقیقا با افرادی است که با نامه‌نگاری به فستیوال‌های مرتبط به فیلم کوتاه در سراسر دنیا سعی می‌کنند به همکارانشان آسیب بزنند. این شیوه در ادبیات یک آرتیست نیست.

به نظرم اهالی فیلم کوتاه اهل کامنت‌گذاری نیستند و رودررو حرف می‌زنند. ما یاد گرفتیم در کار هم مشارکت کنیم و زمان فیلم‌برداری مدام به هم کمک می‌کنیم و علاقه‌مندیم که دوستانم دیده شوند.

فردی مخالف حضور در جشنواره فیلم کوتاه است، در آن حضور پیدا نمی‌کند و اگر هم فیلم‌سازی حضور در جشنواره را مطلوب دید، آن را می‌پذیرد. از نظر من خشکشی در چنین رویدادهایی بی‌معناست. متأسفم که در چند روز اخیر شاهد حواشی عجیبی در عرصه فیلم کوتاه هستم.

فرض کنید بحثی در یک خانواده ایجاد می‌شود و می‌توان آن را در درون خانواده حل‌وفصل کرد و به‌هیچ‌وجه صورت خوبی ندارد که این بحث ابعاد بیشتری بگیرد. ماجراهایی که در جشنواره فیلم کوتاه تهران ایجاد شده، برای من شبیه همین بحث خانوادگی است؛ اما برخی ابعاد دیگری به این بحث دادند و با نامه‌نگاری‌هایی به جشنواره فیلم کوتاه آلمان یا اسکار بخش دوستانم دیده شدند.

که با به رسمیت شناختن تلویحی هویت مشترک در فضای مشخص صورت می‌گیرد و موجب اتصال افراد در زمان‌های بروز تهدید مشترک می‌شود. بیات، عوامل شکل‌گیری سیاست‌های خیابانی را تهدید زندگی خیابانی افرادی می‌دانست که خیابان عرصه حرکت جمعی‌شان شده بود. به اعتقاد نویسنده، دولت تلاش می‌کرد فضاهای عمومی را در اختیار اقلاری که خیابان را از آن خود می‌دانند قرار ندهد.

**اسلاید پنجم**

توجه به مفهوم «خیابان» در این کتاب برجسته است. بیات، خیابان را به عنوان جایگاه بی‌پناه‌ها و اقلاری که از نظر ساختاری فاقد هرگونه جایگاه نهادمند هستند مورد‌کنکاش قرار داده است. نویسنده در این کتاب سعی کرده نشان دهد افراد

حاشیه‌نشین فقط پذیرندگان منفعل به شمار نمی‌آیند، بلکه ایجادکننده تغییر نیز هستند. در واقع مشارکت فعال گروه‌های فاقد امتیاز را نشان می‌دهد که نه تنها تن به تقدیرگرایی و پذیرش منفعلانه سرنوشت محتوم ن داده‌اند بلکه به عنوان معترض ظاهر شدند.

**اسلاید ششم**

خیابان‌ها به عنوان اماکن عمومی دارای این ویژگی هستند که بدون داشتن یک «شبکه فعال» امکان بسیج مردم را فراهم می‌سازند. این شبکه‌ها عبارتند از ارتباطات آنی بین افراد مجزا



توجه به مفهوم «خیابان» در این کتاب برجسته است. بیات، خیابان را به عنوان جایگاه بی‌پناه‌ها و اقلاری که از نظر ساختاری فاقد هرگونه جایگاه نهادمند هستند مورد‌کنکاش قرار داده است. نویسنده در این کتاب سعی کرده نشان دهد افراد حاشیه‌نشین فقط پذیرندگان منفعل به شمار نمی‌آیند، بلکه ایجادکننده تغییر نیز هستند. در واقع مشارکت فعال گروه‌های فاقد امتیاز را نشان می‌دهد که نه تنها تن به تقدیرگرایی و پذیرش منفعلانه سرنوشت محتوم ن داده‌اند بلکه به عنوان معترض ظاهر شدند.

**اسلاید ششم**

خیابان‌ها به عنوان اماکن عمومی دارای این ویژگی هستند که بدون داشتن یک «شبکه فعال» امکان بسیج مردم را فراهم می‌سازند. این شبکه‌ها عبارتند از ارتباطات آنی بین افراد مجزا

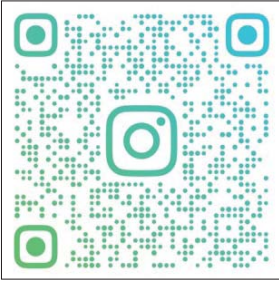
تپه‌دستان همخوان نبوده است. به عبارتی آن چیزی که موجب بسیج و حرکت تپه‌دستان شده، وجود درد مشترک در زندگی آنها بوده است. این رنج‌ها و دردهای هر روزه و لمس آنها موجب جنبش انقلابی‌شان شده است.

**اسلاید نهم**

نویسنده در کتاب سیاست‌های خیابانی نشان می‌دهد چطور جنبشی که به صورت آرام بوده ولی به دلیل طولانی‌شدن، صورت سرطانی به خود گرفته و به شکل پنهان و تدریجی در جامعه نفوذ همه‌گیر پیدا کرد. از دید بیات حرکت تپه‌دستان هدفمند و برنامه‌ریزی‌شده برای ابراز مخالفت با دولت نبوده است. بلکه اعتراضات خیابانی برخاسته از دشواری زندگی روزمره و برای رفع نیازهای اولیه‌شان آمده است. در واقع، ذات بسیج عمومی غیراگاهانه و آرام بوده است.

**اسلاید دهم**

کتاب «سیاست‌های خیابانی: جنبش تپه‌دستان در ایران» اثر آصف بیات و ترجمه اسدالله نبوی چاشمی، توسط نشر شیرازه در ۴۴۰ صفحه و با قیمت ۱۲۵ هزار تومان منتشر شده است.



**اسلاید اول**

# برگ بیست‌ویکم: اعتراض و خیابان

**اسلاید دوم**

آصف بیات محقق و نویسنده ایرانی متولد ۱۳۳۳ تهران است. تجربه دوران کودکی و نوجوانی بیات در یکی از مناطق حاشیه تهران به وی در نوشتن این کتاب یاری رساند. وی در حال حاضر استاد جامعه‌شناسی دانشگاه ایلینوی آمریکا شمالی است. از وی به جز این اثر، کتاب «زندگی همچون سیاست: چگونه مردم عادی خاورمیانه را تغییر می‌دهند» نیز به فارسی ترجمه شده است.

**اسلاید سوم**

هدف نویسنده از کتاب حاضر، شرحی بر تلاش و مبارزه مردم عادی برای بقا و بهبود وضعیت زندگی‌شان است. «در طی آن توجه‌ام به نوعی از سیاست‌های غیررسمی بوده است که آن را

